

ولایت بر تربیت فرزندان در کاربری فضای مجازی

فاطمه طایفی نصرآبادی و فائزه عظیم زاده اردبیلی*

چکیده

پژوش حاضر به هدف بررسی وجود و یا عدم وجود ولایت والدین بر فرزندان در فضای مجازی نگاشته شده است. مقاله پیش رو با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه ای و نوع تحقیق بنیادی-کاربردی نگاشته شده و از مجموعه ای از کتب فقهی- حقوقی پیرامون موضوع ولایت و حضانت و همچنین کتب مربوط به تأثیرات فضای مجازی بهره برده است.

مسئله اصلی پژوهش این است که امروزه با توجه به گسترش فضای مجازی و حضور کودکان و نوجوانان در این فضا، آیا والدین همانطور که در فضای حقیقی بر فرزندان خود ولایت دارند و مکلف هستند که وظیفه نظارت و مراقبت از آنها را در تمامی حیطه ها و به قدر توان خود انجام بدهند، موظف و مکلف هستند که در فضای مجازی هم این حضانت را اعمال کنند یا خیر؟

بر اساس مطالعات انجام شده، تمامی دلایل و مبانی که مبتنی بر آن ها ولایت والدین بر فرزندان در فضای حقیقی تشریع و اثبات شده است، در فضای مجازی هم جاری هستند از آنجایی که دلیل و مناط وجود ولایت والدین در فضای حقیقی بر فرزندان، محافظت از آنها درمقابل مخاطرات مختلف جسمی و روحی است، همین دلیل و مناط در فضای مجازی هم محقق است، در نتیجه می توان از ولایت والدین در فضای حقیقی تنقیح مناط کرد و ولایت والدین در فضای مجازی را هم اثبات کرد.

واژگان کلیدی

تربیت، حضانت، فضای مجازی، تنقیح مناط

مقدمه

دنیای امروز دنیای ارتباطات است. پیشرفت سریع علم و تکنولوژی همواره دارای نتایج و تأثیرات مثبت و منفی بوده است. دسترسی سریع و راحت به اطلاعات و ارتباط گیری آسان همانطور که می تواند نتایج و تأثیرات مثبتی در زندگی بشر داشته باشد، از سویی دیگر می تواند آثار نامطلوبی نیز بر جای گذارد.

از آنجایی که موضوع پیش رو، با توجه به نیاز روز افزون به آن، از مسائل اصلی و اساسی خانواده هابه شماره می آید، بحث و پژوهش پیرامون آن قطعاً ضروری خواهد بود اما مسئله این است که مقدماتاً باید جایگاه و نقش والدین در این امر، روشن گردد، به این نحو که آیا آن ها اساساً وظایفی در این باب دارند؟ و اگر دارند چگونه است؟ از باب ولایت است یا خیر؟ اگر ثابت شود که از باب ولایت است، به این معناست که آنها موظف به انجام آن هستند و در صورت ممانعت از این وظیفه، قابل مؤاخذه خواهند بود.

پژوهش هایی که تا کنون مرتبط با این موضوع انجام شده است، یا صرفاً به مباحث تربیتی این حوزه پرداخته اند و وجود این ولایت را پیش فرض خود گرفته اند مانند مقالات: «نقش خانواده در تأمین سلامت فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان»، که توسط مجموعه ای از نویسندگان (۱۳۹۷) نگاشته شده و از باب همراهی والدین با فرزندان در این فضا، و لزوم آگاهی دادن به فرزندان وارد بحث شده است اما از باب ولایت والدین بحثی نکرده است. یا مقاله «تربیت الهی در دنیای دیجیتال» که توسط خانم زهره خواجه پور (۱۳۹۸) نگاشته شده به بحث تربیتی در بستر زندگی دیجیتال مبتنی بر سخنان آیت الله مجتبی تهرانی پرداخته است. چندی دیگر از پژوهش ها صرفاً به بیان مخاطرات فضای سایبر اکتفا کرده اند مانند مقاله «فضای سایبر، آسیب ها و مخاطرات»، محمد حسین طارمی (۱۳۸۷)، «رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن»، سید محمد مهدی زاده و مظاهر توفیقی (۱۳۹۴)، و یا به بحث اثبات تشریع ولایت والدین بدون لحاظ این ولایت در فضای مجازی پرداخته اند مانند مقاله «اثبات ولایت والدین بر فرزندان در حقوق»، سیده زهرا نقیب القرا بنادکی و فاطمه بیرجندی (۱۴۰۱). در صورتی که پژوهش حاضر سعی در جمع ولایت والدین و فضای مجازی داشته و امکان آن را بررسی می کند.

مفهوم شناسی مصطلحات



تربیت

معنای لغوی

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است (فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۷ و طریحی نجفی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۸ و ۱۳۹). همچنین در لسان العرب هم آمده: «ربا الشیء یربو ربواً و رباءً: ای زاد و نما» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴) که همین معنا را می‌رساند.

معنای اصطلاحی

در باب تربیت، تعاریف متفاوتی بیان شده است. اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان در این باب، نظرات متفاوتی بیان داشته اند. به جهت تلخیص کلام، فقط به بیان نظرانی چند از اندیشمندان مسلمان در این باب اکتفا می‌شود:

استاد مطهری (ره) معتقدند تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه در مورد غیرجاندار به کار برده شود مجازاً به کار رفته، نه این که به مفهوم واقعی، آن شیء پرورش یافته باشد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۵۵۱).

استاد مصباح نیز معنای مشابهی را بیان فرموده اند و بیان داشته اند: تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای این که استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود (موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۸).

در نتیجه می‌توان گفت در یک کلام تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات است برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

حضانت

تعریف لغوی

حضن به معنای بغل یا معنای آغوش است. مانند اینکه زن فرزند خود را در آغوش گرفته و در یکی از دو طرف خود حمل می کند (فراهیدی، ج ۳، ص ۱۰۵) حضانت به معنای در آغوش گرفتن کودک است یا او را چنان پرورش می دهد که گویی او را در آغوش گرفته است (و حضانت او را بر عهده دارد) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۴) به همین جهت زمانی که گفته می شود «حضن الطائر بیضه» به این معناست که پرنده تخم را زیر بال هایش قرار داد (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۶، ص ۲۲۶).

تعریف اصطلاحی

لازم به ذکر است که در قوانین جمهوری اسلامی تعریفی از حضانت ارائه نگردیده است و در قانون مدنی نیز تحت عنوان نگهداری و تربیت اطفال به حضانت اشاره شده و تعریف حضانت به عرف و رویه قضایی واگذار شده است (ناصری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

البته فقها و برخی اندیشمندان، تعاریفی بیان کرده اند از جمله:

حضانت به معنای انجام تمام اموری است که فرزند و کودک در انجام آن به دیگران نیازمند است. بنابراین به معنای نگهداری کردن، نوازش کردن، به دامن گرفتن، تغذیه کردن و به امور نظافتی و بهداشتی کودک پرداختن (حکیمیان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷) و در کل به معنای نگهداری جسمی و مواظبت بدنی از طفل است (توکلی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۰۰)

اما حضانت تنها محدود به امور جسمانی نمی شود و در کل به معنای ولایت بر طفل و دیوانه است در جهت تربیت او و آنچه از نظر مصلحت مربوط به آن است. به همین جهت شامل مواردی مانند حفاظت از او، قرار دادن او در بستر و بلند کردن او، سرمه کشیدن برای او، گرو گذاشتن، شستن لباس و نظافت او و مواردی از این قبیل هم می شود (بحرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۸۳) اما منحصر به موارد مذکور نیست.

در کل در اصطلاح فقهی، حضانت همان تربیت طفل و انجام امور و شئون مختلف اوست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۳).

فضای مجازی

تعریف لغوی

cyber واژه ای است برگرفته از kybcnctec به معنای سکاندار یا راهنما. نخستین کسی که این واژه را به کار برد ویلیام گیتسون نویسنده داستان های علمی تخیلی بود (طارمی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

تعریف اصطلاحی

فضای مجازی شبکه گسترده جهانی است که شبکه های مختلف رایانه را در اندازه های متعدد و حتی رایانه های شخصی را با استفاده از سخت افزار و نرم افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر متصل می کند؛ این شبکه جهانی از طریق خطوط تلفن، رایانه های شخصی و شبکه های رایانه ای را به یکدیگر متصل می کند و با اختصاص نشانی های الکترونیکی مشخص به هر یک از آنها، برقراری ارتباط سریع و گسترده را میان کل کسانی که به شبکه متصل هستند، فراهم می کند و تبادل اطلاعات میان آنان را به صورت متن، صدا، تصویر و فیلم میسر می سازد (علی و عرفانی، ۱۳۹۷، ص ۴۹) در یک کلام فضای مجازی مجموعه ای از ارتباطات درونی انسان ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی است (هلن صدیق بنای به نقل از طارمی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

تنقیح مناط

معنای لغوی

برای تنقیح، چند معنا ذکر شده است از جمله:

۱) تهذیب و پالایش

و از همین باب «استتنقیح الشعر» به معنای پیراستن و برطرف ساختن عیب های آن است.

۲) درآوردن پوست چیزی و عریان ساختن آن. چنان که عرب می گوید:

«نقحوا حمائل سیوفهم ای قشروها فباعوها لشدۀ زمانهم» حمائل شمشیر های خود را درآورده، از فرط قحطی و نداری فروختند.



۳) استخراج مخ و بیرون آوردن مغز شیء. چنان که عرب می گوید: «نقح العظم أى استخراج مخه» مغز استخوان را بیرون آورد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۲۴).

معنای اصطلاحی

تنقیح مناط به معنای کشف علت حکم است در اصل (کشف آن چیزی است که حکم اصل، منوط به آن است)، در صورتی که شارع آن علت را بیان نکرده است و احراز وجود آن علت، در فرع است، در حالی که مانع و مزاحم اقوایی هم در فرع وجود ندارد که نتوان علت اصل را در فرع، جاری کرد. همچنین از طرف شارع هم قبچی برای این جعل حکم اصل در فرع، وجود نداشته باشد. علت حکم، اعم از مصالح و مفاسد و هر چیزی غیر از این دو است، یعنی هر چیزی که شارع آن را علت و مستند حکم در اصل قرار داده، می-تواند باشد (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۴ق، ص ۱۹۹).

پس در یک کلام تنقیح مناط به این معناست که دلیل حکم در یک موضوعی به دست آمده باشد و همان علت در موضوعی دیگر هم وجود داشته باشد، در نتیجه در صورتی که مانعی برای سرایت آن حکم وجود نداشته باشد حکم موضوع اول به موضوع دوم تسری داده می شود.

در تعریف تنقیح مناط در یک کلام می توان گفت: تنقیح مناط عبارت است از راهیابی به متعلق حقیقی حکم و تبیین و استخراج آن با استفاده از قرائن، از درون نصوص و تعبیرات ظاهری (کلانتری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸ و ۱۳۹).

مبانی ولایت والدین بر فرزندان

فقههای امامیه در بیان مبانی مشروعیت حضانت، به قرآن کریم، سنت، اجماع و سیره عقلا استناد نموده اند که به صورت مختصر بیان می شود:

قرآن کریم

موضوع مراقبت و نگهداری و تربیت کودکان اگرچه تحت عنوان حضانت و از ماده (حضن) بکار گرفته است اما مبحث مراقبت از کودک و تأمین نیازهای او مطرح شده و مورد نص قرار گرفته است (مبارکی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۱).

آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

ذیل آیه مبارکه، نکات متعددی وجود دارد که مواردی از آنها بیان می‌گردد:

این آیه عمدتاً به وظایف والدین نسبت به فرزندان می‌پردازد و مفسرین بر این عقیده اند که عبارت «والوالدات یرضعن اولادهن» جمله‌ای خبری است که به معنی امر می‌باشد و عبارت «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» نیز حکایت از این دارد که پدر موظف است مخارج متعارف زندگی زن را از لحاظ غذا و لباس و غیره تأمین کند تا او با خاطری آسوده به پرورش فرزند همت گمارد (طوسی، بی‌تا، ص ۲۵۸).

در باب کلمه «تشاوُر» آمده است: زن و شوهر درباره امور نوزاد باید با هم مشورت کنند (قرائتی، ۱۳۸۳ به نقل از نقیب القرا بنادکی و بیرجندی، ۱۴۰۱، ص ۴).

پیامبر اسلام در تفسیر این آیه می‌فرماید خداوند از اینکه پدر به فرزندش آسیب برساند و او را از مادرش جدا کند نهی کرده است در حالی که مادر حاضر باشد با اجرتی که دیگران می‌گیرند به فرزندش شیر دهد. همچنین مادر از واگذارن فرزند به پدر به قصد إضرار به او نهی شده است (طوسی، بی‌تا، ص ۱۰۰).

همانطور که آیه می‌فرماید: "نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق دارد به کودک ضرر زند، و نه پدر" به خاطر اختلاف با مادر «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ».

یعنی، هیچ یک از این دو حق ندارند سرنوشت کودک را وجه المصالحه اختلافات خویش قرار دهند، و بر جسم و روح نوزاد، ضربه وارد کنند.

مردان نباید حق حضانت و نگهداری مادران را با گرفتن کودکان در دوران شیرخوارگی از آنها پایمال کنند، که زیانش به فرزند رسد و مادران نیز نباید از این حق شانه خالی کرده و به بهانه‌های گوناگون از شیر دادن کودک خودداری کرده یا پدر را از دیدار فرزندش محروم سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸۸).



با توجه به برخی تفسیرهایی که برخی مفسرین از تفسیر آیات ۴۰ سوره طه، ۱۲ سوره قصص، ۳۷ و ۴۴ آل عمران و آیه ۷۵ سوره انفال نیز به عمل آورده اند، چنین بر می آید که موضوع تربیت و نگهداری و سرپرستی کودکان وظیفه والدین در قرآن کریم مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است (مبارکی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۱).

بعید نیست که بتوان از این آیه شریفه استفاده کرد و گفت که روشن و مسلم است که وظیفه والدین در حفظ و مراقبت از کودک و در صورت اختلاف، باید با مشورت صحیح و در چارچوبی خاص انجام شود، که منافع کودک رعایت شود و همچنین می توان گفت ولایت و حضانت از طفل علاوه بر حق، تکلیف والدین نیز بشمار می رود. همچنین در دین اسلام حضانت از طفل فقط به این معنی نیست که به جسم کودک آسیبی وارد نشود؛ بلکه علاوه بر نیازهای عاطفی تربیت و پرورش او را نیز در بر دارد (نقیب القرا بنادکی و بیرجندی، ۱۴۰۱، ص ۶).

سنت

روایات متعددی دال بر اهمیت موضوع نگهداری و تربیت کودکان وجود دارد برای مثال:

«مادام الولد فی الرضاع فهو بین الابوين بالسویه فإذا عظم الأب أحق به من الأم فإذا مات الأب فالأم أحق به من العصبه» نگهداری کودک در دوران شیرخوارگی بین پدر و مادر مساوی است و پس از تمام شدن این دوره، پدر دارای حق تقدم می باشد و هنگامی که پدر فوت کند، مادر نسبت به سایر خویشاوندان دارای اولویت است (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۳۳) یا روایتی که در مورد مردی است که از همسرش جدا شده و دارای فرزند بودند در این باره معصوم می فرماید: «المرأة أحق بالولد ما لم تتزوج» (کلینی رازی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۵) مادر پس از طلاق تا زمانی که مجددا ازدواج نکرده است، نسبت به فرزند در مقایسه با سایر زنان اولویت دارد.

همچنین در روایت حلبی به نقل از امام صادق (ع) آمده است: برای زن مطلقه حامله تا زمانیکه وضع حمل نماید نفقه پرداخت می شود و چنانچه او به میزان اجرت پرداختی به زنان دیگر حاضر به ارضاع طفل خود باشد او اولی است زیرا خداوند متعال فرمود: مادر و پدر به فرزندان زین نرسانند (کلینی رازی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۳).

روایات بیان شده نمونه ای از روایاتی است که به لزوم نگهداری و حفاظت از طفل، رعایت حقوق او و محافظت او از تمامی آسیب های احتمالی پرداخته اند.

اجماع

بسیاری از فقها در مورد حضانت و برخی شروط حاضن مانند عدم ازدواج مادر به اجماع استناد کرده اند. با این توضیح که در اصل حضانت هیچ فقیهی مخالفت نکرده و همگی بر لزوم نگهداری و تربیت و تأمین هزینه فرزندان تأکید نموده و فتوا داده اند والدین را از رها کردن کودکان بر حذر داشته اند و برای والدین یک نوع اولویت و تقدم مسئولیت در نگهداری فرزندان قائل شده اند. بنابراین در اصل حضانت تمام فقها متفق القول بوده و اختلافی فی ما بین آنها وجود ندارد و محل اختلاف نظر عموماً در فروع باب حضانت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۸۵).

برای مثال مرحوم مقدس اردبیلی بیان داشته اند: «والوجه أنه قد ثبت ولایتها قبله، كأنه اجماع المنقول فی التذکره» (مقدس اردبیلی، ج ۹، ص ۲۳۱). علاوه بر این، علامه حلی نیز فرموده اند: «الولاية فی مال المجنون و الطفل للأب و الجد له و إن علا، و لا ولاية للأُم إجماعاً، إلا من بعض الشافعية» (علامه حلی، مسئله ۴۴۱ به نقل از نقیب القرا بنادکی و بیرجندی، ۱۴۰۱، ص ۸).

سیره عقلا

در کلیه ادوار تاریخ و جوامع بشری هرگز کودکان بدون سرپرست رها نشده اند. این موضوع در میان تمامی موجودات جاندار دیگر نیز وجود داشته است. آدمی نه تنها به حکم احساسات و غریزه بلکه به حکم عقل نسبت به اعمال خود و نتایج آن همواره مسئول بوده است. بنابراین حق حضانت یکی از حقوق مسلم هر طفلی است که دارای پشتوانه عقلانی می باشد و در اصل حکم انشایی اسلام نبوده بلکه دین مبین اسلام این حکم عقل را تأیید و امضا کرده است (مبارکی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲ و ۲۰۳).

تأثیر فضای مجازی بر تربیت

علاوه بر مطالب بیان شده، باید به اثرات نامطلوب احتمالی حضور در فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان، و فراتر از آن، جوانان و حتی سنین بالاتر توجه داشت تا لزوم بحث حاضر، بیش از پیش روشن گردد.

برای مثال از موارد مضر، می توان به دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی اشاره کرد. علاوه بر آن، تضعیف باورهای دینی و القای شبهات فکری و تعارض ارزش ها نیز می تواند از آثار نامطلوب حضور در فضای مجازی باشد.

همچنین در ابعاد فردی و خانوادگی، اعتیاد به فضای مجازی، انزوای اجتماعی، اتلاف وقت، کاهش ارتباطات خانوادگی، تغییر الگوی تعامل بین والدین و فرزندان، از بین رفتن تعادل قدرت در خانواده و شکاف نسل ها از آثار نامطلوب این موضوع دانسته شده است (علی و عرفانی، ۱۳۹۷، ص ۵۰ - ۵۸).



برای روشن تر شدن موضوع به اختصار برخی مضرات توضیح داده می‌شود.

باید گفت دنیای امروز و اقتضاء وجود فضای مجازی، بیان تمامی عقائد، ارزش‌ها، نظرات و رویکردهاست. از طرفی، هر یک از این‌ها، مبتنی بر جهان بینی خاص خود ایجاد شده است، در هر یک از این جهان بینی‌ها، خدا، انسان و طبیعت تعریف، جایگاه و ارتباط خاص خود را با هم دارند. مسئله این است که کودک و نوجوان ما، در حالی در مواجهه با این موارد، از سوی فرهنگ غیر و جهان بینی غیر قرار می‌گیرد که غالباً به ابزاهای فکری لازم و توان عقلی کافی مسلح نشده است، در نتیجه قطعاً آسیب پذیر خواهد بود.

در کل، هر جامعه دارای ارزش‌هایی است که ناشی از فرهنگ آن است؛ اما برخی ارزش‌های مترقی در جوامع اسلامی است که به موجب تأثیر از فرهنگ بی‌بند و بار و اباحه‌گر غرب در حال کمرنگ شدن است. ارزش‌هایی مثل: حیا و عفت زن، اهمیت داشتن شخصیت انسان نه جنسیت او و قبح عریان‌نمایی بدن. در نتیجه ارسال تصاویر مستهجن در میان جوامع اسلامی رشد می‌یابد، کمپوشی و عریانی به ویژه در میان جوانان گسترش می‌یابد و در نهایت، قبح برخی اعمال که سازنده ارتباطی سالم و مفید در میان افراد جامعه است، از بین می‌رود و در گذر زمان به رشد ارتکاب برخی اعمال خلاف اخلاق متعالی، و حتی ارتکاب برخی جرائم منتهی خواهد شد (طارمی، ۱۳۸۷، ص ۳۳ و ۳۴).

در نتیجه این عرصه، عرصه تضارب آراست و شخص در صورتی می‌تواند از هجمه تفکرات جهان بینی‌های غیر الهی و الحادی و بعضاً غیراخلاقی، در امان ماند که توان مندی‌های لازم را در خود داشته باشد. کودکان و نوجوانان معمولاً این توانایی‌ها را نداشته و از طرفی، مرعوب تظاهرات و جلوه‌های فریبنده فرهنگ‌های دیگر خواهند شد.

به نظر می‌رسد که این موضوع، شباهتی با اظهار به ارتداد و پس از آن، تبلیغ علیه دین اسلام دارد. در این مورد مقدماتاً باید بیان کرد روشن است که بحث علمی و تضارب آرا در حضور اهل علم و اندیشمندان، در اسلام هیچگاه مورد اشکال نبوده است، تا جایی که حتی در سال‌های ابتدائی پیروزی انقلاب اسلامی، در رسانه ملی، مناظراتی بین علمای اسلام مانند آیت الله مصباح یزدی و شهید بهشتی در مقابل کمونیست‌ها انجام می‌شد و به صورت زنده هم برای عموم مردم پخش می‌شد، و هیچیک از آن‌ها برای سخنانشان، مورد مواخذه و مجازات قرار نگرفتند، در حالی که تفکر کمونیستی مبتنی بر کفر و الحاد است. اما در مورد حکم ارتداد، گفته شده بازگشت از دین و تبلیغ علیه آن، موجب حکم ارتداد است. در یک نگاه، به نظر می‌رسد تأثیرات مردم و عوام جامعه در این احکام، موضوعیت دارد. مثلاً آنجایی که شخصی نظرات ملحدانه خود را بیان می‌کند اما از این طرف، کسی وجود دارد که بتواند پاسخ آن نظرات را بگوید حتی اگر در انتظار مردم هم باشد، مورد پذیرش است،

و از طرف دیگر اگر کسی تفکرات کفرآمیزی داشته باشد و حتی سابقه اسلام هم داشته باشد و او را مرتد بدانند، تا زمانی که نظرات و تفکرات خود را بیان و علنی نکرده باشد به نحوی که کسی متوجه ارتداد او نشود، باز هم حکمی ندارد، اما اگر کسی موجب ایجاد شبهه در عموم جامعه گردد و عقائد مردم را دچار تزلزل کند و از طرفی در مقابل پاسخی درخور قرار نگیرد، مانند آنچه که در صدر اسلام رخ می داد که بعضا صبح ایمان می آوردند و شب از اسلام باز می گشتند تا در دین مردم تزلزل ایجاد کنند، مجازات خواهد شد مانند حکمی که امام خمینی (ره) در مورد سلمان رشدی بیان داشتند.

از مجموع مطالب بیان شده به نظر می رسد آن چیزی که در این مورد مهم است، تأثیری است که مردم و عوام جامعه از این موضوع می بینند. همین نکته، اهمیت رسیدگی و نظارت در مورد استفاده از فضای مجازی را قابل درک تر می کند. ویژگی های بیان شده در مورد فضای مجازی قطعا صادق است، فضایی که عوام مردم نه فقط اهل فکر، حضور دارند و هر شخصی از هر تفکر و عقیده ای می تواند هر سخنی را بیان کند. حال، کودک و نوجوان ما در این فضای بدون حد و مرز حضور دارد، قطعا آسیب پذیر خواهد بود، و لزوم نظارت و اعمال ولایت والدین در این حوزه، به حکم عقل مسلم است. همנטثر که بیان شد، اساسا معنای حضانت همین نگداری از آسیب هاست، حال چه سببی که در فضای حقیقی وجود دارد و چه آسیبی که در فضای مجازی است، و چه بسا آسیب های فضای مجازی بیشتر نیز باشد.

ارتباط بحث حضانت و تربیت

در این بخش از پژوهش لازم است رابطه حضانت و تربیت روشن گردد که آیا حضانت همان تربیت است؟ یا تربیت جزئی از حضانت است؟ و یا برعکس؟

همانطور که در بخش مفهوم شناسی مصطلحات بیان شد، قانون برای حضانت تعریفی بیان نکرده است اما با بررسی در آراء فقهای متقدم و متأخر، روشن می شود که فقها، در تعریف حضانت از کلمه تربیت استفاده کرده اند که ناظر به دو جنبه روحی و جسمی، مادی و معنوی است، یعنی حضانت اختصاص به پرورش جسمی ندارد (ناصری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

برای مثال مجمع البیان حضانت را عبارت از ولایت بر طفل و مجنون در جهت منفعت تربیت و مصلحت او، همچنین خواباندن و بلند کردن و شست و شوی او و لباس هایش تمام موارد مورد نیاز او که در صلاحش باشد می داند به جز شیردهی (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۳۲).

شهیدثانی نیز حضانت را نوعی ولایت بر طفل می‌دانند پس نوعی ولایت است و به تربیت بازمی‌گردد (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۴۲۳).

در نتیجه حضانت تنها به معنای نگهداری و حفظ جسم کودک نیست، از این رو در حقوق اسلام شخصی که حضانت طفل به او سپرده می‌شود شرایطی دارد باید آزاد، مسلمان (در صورتی که طفل مسلمان باشد) و امین باشد. همچنین مادری که عهده دار حضانت طفل است، نمی‌تواند طفل را از شهر به روستا ببرد، زیرا تعلیم و تربیت کودک در شهر بهتر از روستا تأمین می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۹) و همچنین هرگاه مصلحت کودک ایجاب کند و سلامت و تربیت او در خطر افتد، دادگاه می‌تواند نگهداری از طفل را به دیگری بسپارد (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص ۷۱۱).

همانطور که بیان شد، حضانت برای مصلحت محضون تشریع شده است، در نتیجه مدت آن هم منوط به مدت زمانی است که محضون به این حضانت نیاز دارد (انصاری، ۱۳۹۱-۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۶۲).

می‌توان گفت حضانت را در دو معنا می‌توان بررسی کرد:

- حضانت بمعنی الأعم: که به معنای جلب تمام مصلحت‌ها برای فرزند است، از تربیت و آنچه به آن مربوط است. این معنا، آمد و انتهای ندارد، زیرا تربیت آمد ندارد و والدین همواره در قبال فرزندان خود مسئولیت دارند.
 - حضانت بمعنی الأخص: همان معنای رایج از نگهداری و اصطلاحاً تر و خشک کردن است که دارای آمد و انتهاست.
- با توجه به مطالب بیان شده، حضانت معنای تربیت را هم در بر دارد، پس هم جسم را در بر می‌گیرد و هم روح را. از این جهت که تمامی عوامل موثر بر فرزند را در برمی‌گیرد در نتیجه قطعاً شامل فضای مجازی هم که فرزند تأثیرات زیادی از آن اخذ می‌کند می‌شود.

تنقیح مناط از فضای حقیقی بر فضای مجازی

در جهت روشن تر شدن موضوع به اختصار باید گفت: برخی از فقها مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷-۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۳۲) معتقدند حضانت حق است، برخی از فقها معتقدند حضانت نسبت به مادر حق است و نسبت به پدر تکلیف است مانند شهیداول، که در اینصورت اگر مادر نسبت به حضانت امتناع کند، پدر نسبت به آن اولویت دارد و اگر هر دو امتناع کنند ظاهر این است که پدر بر حضانت اجبار می شود (شهید اول، ج ۱، ص ۳۹۵ و ۳۹۶) و برخی دیگر آن را هم برای پدر و هم مادر، تکلیف می دانند.

قانون جمهوری اسلامی ایران، در ماده ۱۱۶۸^۱ قانون مدنی، حضانت را تکلیف والدین می داند.

در پژوهش حاضر هم مبتنی بر قانون و نظردسته ای از فقها، حضانت تکلیف والدین دانسته شده است. پس والدین در مورد فرزندان خود و حفاظت از آن ها موظف و مکلف هستند. حال عوامل مختلفی ممکن است بر سلامت جسم و روح فرزندان تأثیر گذار باشد و از آنجایی که حضانت در معنای تربیت فرزندان، آمد و انتها ندرد، در نتیجه والدین همواره و در تمام عرصه های زندگی فرزندشان، مکلف به حفاظت از او هستند. این نتیجه و حکم، در مورد فضای حقیقی ثابت شده است اما در باب فضای مجازی چطور؟

همانطور که پیش تر بیان شد، بر اساس مطالعات انجام شده، تمامی دلایل و مبانی که مبتنی بر آن ها ولایت والدین بر فرزندان در فضای حقیقی تشریع و اثبات شده است، در فضای مجازی هم جاری هستند از آنجایی که دلیل و مناط وجود ولایت والدین در فضای حقیقی بر فرزندان، محافظت از آنها در مقابل مخاطرات مختلف جسمی و روحی است، همین دلیل و مناط در فضای مجازی هم محقق است، در نتیجه می توان از ولایت والدین در فضای حقیقی تنقیح مناط کرد و ولایت والدین در فضای مجازی را هم اثبات کرد.

در اصل سیر بحث را می توان این گونه ترسیم کرد:

اصل: وجوب حضانت و ولایت والدین بر فرزندان در فضای حقیقی

مناط: لزوم حفاظت از فرزندان از تمامی مخاطرات

فرع: وجوب حضانت و ولایت والدین بر فرزندان در فضای مجازی

^۱ ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است.

همچنین در تایید حجیت این تنقیح مناط، می‌توان گفت همانطور که روشن است، در فضای مجازی دلیل خاص و منحصر به فردی نسبت به فضای حقیقی وجود ندارد تا مانع از این باشد که همان حکم فضای حقیقی را در موردش جاری بدانیم.

با توجه به مطالب بیان شده و در مقام جمع بندی می‌توان گفت همانطور که ولایت والدین بر فرزندان در فضای حقیقی دارای مبانی و دلایلی است، که فقه‌های شیعه به قرآن کریم، سنت، اجماع و سیره عقلا استناد کرده اند، و از این منابع برای اثبات و تشریع ولایت والدین استفاده کرده اند، از جهت دیگر، فضای مجازی و گسترش آن، خطرات و آثار نامطلوب متعددی بر تمامی مخاطبین خود بالأخص کودکان و نوجوانان خواهد گذاشت، به عنوان مثال دسترسی به مطالب غیراخلاقی، القای شبهات فکری، تعارض ارزش ها، کاهش ارتباطات خانوادگی و شکاف نسل ها و ... ، اقتضاء حضانت و تربیت، این است که والدین فرزندان خود را در تمامی حیطه ها و ساحات مورد حفاظت خود داشته باشند و از آنها مراقبت کنند. اگر علت وجود ولایت والدین بر فرزندان، نگهداری و حفاظت از آنهاست، همین دلیل، در فضای مجازی بیشتر از فضای حقیقی مورد نیاز است. در نتیجه می‌توان از ولایت والدین در فضای حقیقی تنقیح مناط کرده و آن را به فضای مجازی نیز سرایت داد و حفاظت و مراقبت والدین از فرزندان را در فضای مجازی هم وظیفه والدین دانست که در صورت کوتاهی آن‌ها، ضمانت اجرای کوتاهی والدین در حضانت در فضای حقیقی، در موردشان جاری گردد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.



- انصاری، قدرت الله (۱۳۹۱-۱۳۹۵). **موسوعة أحكام الأطفال وأدلتها**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- بحرانی، یوسف، بی تا، **حدائق الناظره فی احکام العترة الطاهرة**، محقق و گردآورنده: محمدتقی ایروانی، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.
- توکلی، محمد مهدی (۱۴۰۰). **حقوق مدنی**، تهران: مکتوب آخر، چاپ دهم.
- حکیمیان، علی محمد (۱۳۸۱). **کنکاشی پیرامون قانون حضانت**، نشریه راهبردی مطالعات زنان، شماره ۱۶.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). **سیری در تربیت اسلامی**، تهران: دریا.
- شهید ثانی، بی تا، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، بی جا: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شهید اول، بی تا، **القواعد و الفوائد**، قم: کتابفروشی مفید، اول.
- طارمی، محمدحسین (۱۳۸۷). **فضای سایبر، آسیب ها و مخاطرات**، ره آورد نو، شماره ۲۲.
- طریحی نجفی، فخرالدین، بی تا، **مجمع البحرين**، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷-۱۴۱۷). **الخلاف**، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، محمد حسن، بی تا، **التبيان فی تفسير القرآن**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- علی، شجاعت و عرفانی، محمدنظیر (۱۳۹۷). **آسیب شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان**، نشریه **international Multidisciplinary Journal of Pure Life**، شماره ۱۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، **العین**، بی جا.
- فیومی، ابوالعباس، بی تا، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير**، بیروت: المکتبه العلمیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: میزان، چاپ پنجاه و هفتم.
- کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۲). **تنقیح مناط**، فقه و اصول، نشریه فقه، شماره ۳۵.



- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). **فروع کافی**، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
- گروه نویسندگان (۱۳۸۸). **تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر**، قم: موسسه امام خمینی، چاپ اول.
- لجنة الفقه المعاصر (۱۴۴۴ق). **الفائق فی الاصول**، موسسه انتشارات حوزه های علمیه، چاپ هشتم.
- مبارکی، عبدالرضا، ۱۳۹۸، **حضانت**، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۳۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، بی جا، نشر موسسه الوفاء، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). **مجموعه آثار**، قم، صدرا.
- مقدس اردبیلی، بی تا، **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، بی جا، موسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم.
- ناصری، عادل (۱۳۹۱). **انتهای سن حضانت**، نشریه کانون وکلای دادگستری، شال هشتم، شماره ۲۷ و ۲۸.
- نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۴۰۴). **جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام**، محقق: عباس قوچانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نقیب القرا بنادکی، سیده زهرا و بیرجندی، فاطمه (۱۴۰۱). **اثبات ولایت والدین بر فرزندان در حقوق**، دوازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران.